

داشتن حقوق مختلف،

از پایه‌ای‌ترین شروط پیشرفت طبقه‌ی کارگر است

گفت‌وگو با مهدی کوهستانی

طی این مدت ۲۵ درصد از بخش دولتی را به بخش خصوصی تبدیل کرده که به این ترتیب قسمت ما هم دچار خصوصی‌سازی شده بود و هر روز شرایط کاری بدتر و بی‌کارسازی ما محتمل‌تر می‌شد. ترجیح این بود که وارد مبارزه بشوم ولی بی‌کار نشوم. به کارم علاقه فراوانی داشتم و بالطبع مانند هر فرد دیگری که برای تسلیم نشدن به شرایط موجود مبارزه می‌کند، من هم این تلاش را ادامه دادم.

◆ به‌عنوان یک کارگر و فعال سندیکایی، اولین گام‌هایی که در جهت مبارزه‌ی کارگری برداشتید چه بودند؟ چگونه کارگران شما را به‌عنوان رئیس اتحادیه انتخاب کردند؟

مهدی کوهستانی: فکر می‌کنم که یک فعال کارگری می‌بایست یک سری خصوصیات را داشته باشد که کارگران به وی اطمینان کنند. کارگران نماینده‌ای می‌خواهند که جدی، مسئول، معتقد، شفاف و با تجربه باشد و از قوانین کارگری اطلاع داشته باشد. بتواند در هر شرایطی از حقوق کارگر دفاع کند. البته سلسله مراتب هم نقش خودش را دارد. ابتدا هرکس به‌عنوان نماینده‌ی بخش و اگر بتواند از پس این کار بر بیاید و با صاحب‌کار زد و بند نکند، می‌تواند برای پذیرش مسئولیت‌های بالاتری در اتحادیه اقدام کند. به‌عنوان نماینده‌ی بخش و سپس مذاکره‌کننده نقش داشتم و توانستم از پس رسانه‌های گروهی در حین مذاکرات بر بیایم. متعاقباً در انتخابات هیأت مدیره شرکت کردم و با آرای اکثریت اعضا به‌صورت دوره‌ای توانستم به‌عنوان رئیس اتحادیه انتخاب بشوم.

◆ چه تعداد از کارکنان و اعضای اتحادیه شما زن هستند و آیا اقلیت‌های قومی هم در فعالیت اتحادیه درگیر هستند؟

مهدی کوهستانی: بستگی به قسمت کاری دارد. در بعضی قسمت‌ها اصلاً زن کار نمی‌کند، مانند مکانیک‌ها و بعضی قسمت‌های تکنیکی. در بخش‌هایی مانند آزمایشگاه و نظافت، زن‌ها بیشتر هستند. ۶۵ درصد اتحادیه ما را مهاجران تشکیل

◆ با تشکر از این‌که وقت را دادید که با هم گفت‌وگویی داشته باشیم، اولین پرسش این است که از چه زمانی فعالیت‌های کارگری خود را در کانادا آغاز کردید؟

مهدی کوهستانی: با سپاس. بنده حدود ۱۶ سال است در تورنتو زندگی می‌کنم و از زمانی که وارد کانادا شده‌ام، در بخش‌های مختلف سندیکایی کار کرده‌ام. حدود ۱۳ سال گذشته در بخش‌های مختلف دانشگاه تورنتو مشغول به کار بودم. شش سال به‌عنوان نماینده‌ی قسمت خودمان بودم و سه دوره مسئول مذاکره برای بستن قرارداد دسته‌جمعی بودم. در حدود دو سال و نیم است که به‌طور تمام وقت از طرف اعضای قسمت‌های تعمیرات مختلف اتحادیه‌ی خدمات اجتماعی شعبه ۲۲۶۱ (که شامل ۴ قرارداد مختلف می‌باشد) در دانشگاه تورنتو به‌عنوان رئیس اتحادیه انتخاب شده‌ام و چند ماهی است که دبیر شورای شهر تورنتو اتحادیه‌ی خدمات اجتماعی کانادا نیز می‌باشم.

◆ چگونه علاقه‌مند به فعالیت تمام وقت برای کسب حقوق کارگری در این جا شدید و چگونه فعالیت‌های خودتان را در این عرصه آغاز کردید؟

مهدی کوهستانی: به‌نظر من سنوآل اساسی این است که آیا ما این راه را انتخاب می‌کنیم و یا این‌که این مسیر بخشی از زندگی ماست؟ من فکر می‌کنم که بحث را باید به این‌گونه نگاه کرد که به قول خلیل ملکی «ما سیاست را انتخاب کرده‌ایم یا سیاست ما را انتخاب کرده است.» من فکر می‌کنم این شرایط خود کار است که انسان را مجبور می‌کند به این بخش کشیده شود. فکر می‌کنم که آدم باید از آن زاویه بیاید که ببیند زندگی‌اش، مسائل‌اش و منافع‌اش است که او را به‌طرف فعالیت کارگری سوق می‌دهد. چرا من تا این حد کشیده شدم؟ چون خودم از لحاظ سوابق کار کم‌ترین سابقه را داشتم و مدیریت اگر قرار بود کسی را اخراج کند، جزو اولین نفرات من می‌بودم. طی ده سال گذشته ما با سیل عظیم خصوصی‌سازی طرف بودیم و دیدیم که دولت



می‌دهند این رقم البته در برخی اتحادیه‌های صنفی مانند ماشین‌سازی، انرژی و کارکنان دولت فدرال و غیره به‌مراتب کم‌تر است.

نکته‌ای که در این جا مایلیم اشاره کنیم این است که به‌نظر من یکی از دلایل انتخاب شدن من به‌عنوان رئیس اتحادیه، حمایت زنان از من بود. در اتحادیه‌ی ما، مردان قدرت زیادی داشتند. من در طول مدت فعالیت‌هایم و در هنگام مذاکرات و قراردادهای جمعی تلاش نمودم که از نهایت همکاری و همیاری زنان عضو اتحادیه بهره ببرم. این شعار را مطرح کردیم که زنان باید مدیریت خود را در فعالیت‌های اتحادیه‌ای و غیره به‌دست بگیرند. به‌نوبه‌ی خود تلاش کردم نشان دهم که قادر هستیم فرهنگ مردانه‌ی مسلط بر اتحادیه را تغییر دهیم. من از جایی آمده بودم که همیشه نتوانسته بودم حتی خانواده خود را از نزدیک ببینم و این برای من خیلی ناراحت‌کننده بود که به‌خاطر همین فرهنگ مردسالارانه از دیدن خواهرم هم محروم بودم. فشار بر روی زنان را در همین سیستم هم می‌توان دید و تا نتوانیم این برابری در خانواده، محیط کار و جامعه را به‌وجود آوریم نمی‌توانیم به‌جلو برویم.

◆ شیوه‌ی اداره‌ی اتحادیه شما چگونه است؟

مهدی کوهستانی: اتحادیه، نهادی است قانونی با ساختاری پیش‌ساخته‌ی که به‌صورت حزبی اداره می‌شود. در اتحادیه نظم و قانونی وجود دارد که اعضا و همه افراد از جمله رئیس اتحادیه باید آن‌ها را رعایت کنند. به‌طور مثال، در جلسات اتحادیه، افراد نمی‌توانند از هر موضوعی که بخواهند حرف بزنند. ما صورت جلسه داریم و تا اعضاء صورت جلسه را تأیید نکنند آن جلسه به‌رسمیت شناخته نمی‌شود. ما در هر جلسه‌ای توضیح می‌دهیم که بحث بر سر چه موضوعی است. هر کارگری که بخواهد سؤال و یا نظر بدهد فقط می‌تواند در ۵ دقیقه در رابطه با آن موضوع معین صحبت کند. ما موظف هستیم به چند مخالف و موافق اجازه صحبت بدهیم. کارگر حق دارد که اگر می‌بیند رئیس جلسه نظم، موضوع و مقررات جلسه را درست و عادلانه رعایت



نمی‌کند از او بازخواست کند و تقاضای کنار رفتن او از مسئولیت جلسه را بنماید. در آن صورت نایب رئیس جلسه موظف است که به‌طور بی‌طرفانه از عضو بخواهد که علت بازخواست را توضیح دهد. در صورت تحقق بودن عضو، رئیس جلسه تا انتهای جلسه از گردن انداختن جلسه محروم می‌گردد. در صورت بی‌پایه بودن بازخواست، به عضو مربوط توضیح و در صورت لزوم تذکر داده می‌شود و رئیس جلسه به مسئولیت خودش بر می‌گردد. رأی خود کارگر است که حرف نهایی را می‌زند از جمله چه چیزی در قرارداد دسته‌جمعی باید عوض شود. چنانچه مطالبه‌ی کارگران در مذاکره به‌دست نیامده، اعتصاب ابزار قانونی آن‌هاست برای گرفتن حق خودشان. اعتصاب بستگی به شرکت همگانی و همبستگی دارد و در تمام مواقع موفقیت‌آمیز نبوده ولی اصول مبارزه رعایت شده است. به‌نظر من این روند فقط به یک امر صنفی محدود نمی‌ماند. کارگری که در جلسات می‌تواند همه چیز را به چالش بکشد، کارگری که می‌تواند قبل از هر جلسه به متنی جلسه بگوید که می‌خواهد در مورد فلان موضوع و یا حق و مطالبه صحبت کند، کارگری که می‌تواند اتحادیه و رئیس آن را به سؤال بکشد و برای دست‌یابی به خواسته‌اش اعتصاب راه بیندازد، این انعکاس نوعی آموزش و سنت است که می‌تواند در سیاست و مبارزات سیاسی نیز او را یاری دهد.

◆ نحوه‌ی شکل‌گیری اتحادیه، به چه صورت است؟

مهدی کوهستانی: روند پیوستن به اتحادیه در کانادا به این شکل است که اگر یک بخش از کارکنان نهادی که اتحادیه ندارند و حوزه و وظایف کاری آن‌ها در حیطه‌ی کاری اتحادیه‌ای خاص است کارکنان آن نهاد با اتحادیه‌ی مربوط تماس می‌گیرند بعضی مواقع

● من طی تماس با نوآم چامسکی از او خواستم که هنگام دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه تورنتو از اعتصاب ما حمایت کند ●

بخش محلی اتحادیه متشکل کردن کارگران را به عهده می‌گیرد. ما سعی خواهیم کرد که در این رابطه به اتحادیه مرکزی خودمان کمک برسیم. ما در کانادا ۱۸ اتحادیه متفاوت داریم که شامل بیش از چهار هزار شعبه است و حدود سه و نیم میلیون کارگر را زیر پوشش قرار می‌دهد و به آن می‌گویند Close Shop یا محل کار بسته (در ده سال گذشته تعداد اعضای اتحادیه‌ها در کانادا نسبتاً رشد داشته و در اتحادیه ما

ما باید به کارگران توضیح می‌دادیم که اتحادیه در کل و شعبه خودمختار آن چه خدماتی در قبال عضو شدن آن‌ها و با همکاری خودشان انجام می‌دهد. امضاء کردن کارت‌های عضویت ۹ ماه طول کشید. پس از امضاء و جمع‌آوری کارت‌های عضویت، اتحادیه کارت‌ها را به منظور ثبت رأی‌گیری به وزارت کار می‌دهد. وزارت کار به کارفرما ابلاغ می‌کند که کارکنانش برای پیوستن به اتحادیه اقدام کرده‌اند و کارت‌های عضویت‌شان در وزارت کار است و از کارفرما می‌خواهد چنانچه سؤال و ابهامی در این زمینه دارد به وزارت کار مراجعه کنند. وزارت کار زمانی را برای رأی‌گیری در مکانی علنی تعیین می‌کند که کارگران می‌توانند به‌طور مخفی نظرشان را در صندوق رأی بریزند: «اتحادیه، آری یا نه». در این مرحله کارفرما دیگر نمی‌تواند به‌خاطر فعالیت‌های اتحادیه‌ای کسی را اخراج کند، وزارت کار می‌باید بر تمامی امور نظارت داشته باشد. کارفرما لیست کارکنان را برای وزارت کار می‌فرستد تا وزارت کار کارت‌ها را با اسامی تطبیق دهد و به یک معنا جلوی جعل کردن گرفته شود. هنگامی که اکثریت کارگران رأی مثبت دادند، آن‌گاه کارگران رسماً به اتحادیه می‌پیوندند. مرحله‌ی بعدی مذاکرات و بستن قرارداد جمعی است. معمولاً بستن اولین قرارداد دسته‌جمعی بسیار مشکل است و پیچیدگی و طراقت‌سای غسی دارد.

◆ آیا شما و اتحادیه‌تان تجربه‌ی اعتصاب هم داشته‌اید؟

مهدی کوهستانی: بخش مذکور که به شعبه‌ی اتحادیه‌ی ما پیوست، در بستن اولین قرارداد که من در تیم مذاکره‌کننده بودم، مجبور شدیم ۱۲ هفته در اعتصاب باشیم. مدیریت از این رو که می‌خواست اتحادیه را از بین ببرد و به کارگران بخش‌هایی که زیر پوشش اتحادیه نبودند ثابت کند که دیگر فکر تشکیل اتحادیه نکنند ما را به یک مبارزه‌ی شبانه‌روزی

نرخ رشد به ۲۵ درصد می‌رسد)، معمولاً کارگران در هر رشته‌ی کاری در اتحادیه‌ی مربوط به صنف‌شان سازمان‌دهی می‌شوند. بنابراین ما با اتحادیه‌های متفاوت از بخش خدمات اجتماعی گرفته تا فولاد، ماشین‌سازی، هتل، موادغذایی، پست و غیره روبه‌رو هستیم. البته در سال‌های اخیر با توجه به تغییر شرایط کار و نوع سازمان‌دهی و مسایل دیگری که در این‌جا فرصت پرداختن به آن‌ها نیست، برخی اتحادیه‌ها به سازمان‌دهی کارگران در صنوف و مشاغل متفاوت پرداخته‌اند. در بعضی مواقع اعضا، اتحادیه‌ی خودشان را ملتی می‌کنند و به اتحادیه‌ی دیگری می‌پیوندند. از جمله جدانشدن‌شان از اتحادیه‌های آمریکا و یا در موقعی که کارگران به این نتیجه می‌رسند که اتحادیه‌ی موجود دیگر ظرفیت و یا تمایل به دفاع از حقوق‌شان را ندارد تجربه‌ی شخصی خودم از این قرار است که تعدادی از دانشجوین دانشگاه تورنتو که به‌طور نیموقت در کتابفروشی دانشگاه کار می‌کردند، می‌خواستند عضو اتحادیه شوند. آن‌ها را در شعبه‌ی اتحادیه‌ی خودمان متشکل کردیم و این کار را با کمیته‌ی سازماندهی اتحادیه هماهنگ کردیم. اولین گام‌ها برای پیوستن به اتحادیه بسیار دشوار است. مدیریت به محض این‌که متوجه شود که کارگران می‌خواهند به اتحادیه پیوندند، از هر حیله و ترفندی استفاده می‌کنند که جلوی این اقدام کارگران را بگیرد. کارفرما سعی می‌کند با اخراج کارگران، تهدید و ارباب‌ایجاد جو ناسالم و غیره موانع عملی جدی در مقابل پیوستن کارگران، به اتحادیه بتراند. اولین گام‌ها به‌صورت مخفی برداشته می‌شود. کل روند مشورت با کارگران، توزیع امضاء کردن کارت عضویت به‌صورت مخفی صورت می‌گیرد. در مورد فوق، این روند البته یک شبه قابل انجام نبود و باید با هر کارگری ساعت‌ها وقت گذاشته می‌شد و بدون این‌که برای کارگری مشکلی پیش بیاید، ضرورت و مزایای پیوستن به اتحادیه به‌عنوان نهادی متشکل توضیح داده می‌شد.

کشانید. ما موفق شدیم افکار عمومی را در حمایت از اعتصاب و محکوم نمودن عمل ضد اتحادیه‌ای کارفرما بسیج کنیم. ما از نویسندگان خواستیم چنانچه فراردادی با انتشارات دانشگاه تورنتو برای چاپ کتاب دارند آن را موقتاً لغو کنند. از اساتید دانشگاه خواستیم به انتشارات دانشگاه کتاب درسی سفارش ندهند. از مردم خواستیم که انتشارات دانشگاه را تا زمانی که کارگزارانش در اعتصاب هستند، تحریم کنند. در همان برمان، نوام جامسکی و باب وایت رئیس سابق کنگره‌ی کار کانادا برای دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه تورنتو دعوت شده بودند. من طی تماس با جامسکی از او خواستم که هنگام دریافت دکترای افتخاری خود، در پیامش از اعتصاب ما حمایت کند. جامسکی نه تنها این کار را کرد بلکه نامه‌ای در حمایت از اعتصاب ما برای دانشگاه فرستاد. باب وایت نیز نه تنها قایل از وارد شدن به سالن دانشگاه در تظاهرات اعتراضی ما شرکت کرد، بلکه در سالن نیز در حمایت از اعتصاب ما سخنرانی کرد که مطبوعات عمده‌ی کشور آن را منعکس نمودند. ما از اساتید دانشگاه‌های دیگر خواستیم تا پایان اعتصاب ما از هرگونه مرادبه با دانشگاه خودداری کنند. طی یک نامه سرگشاده امضای چند صد استاد دانشگاه از شمال کالیفرنیا تا کره جنوبی را در حمایت از خود گرد آوردم. البته اتحادیه‌های دیگر و دنیای کامپیوتر خیلی کمک کرد. از این اعتصاب حمایت مالی و معنوی قابل ملاحظه‌ای صورت گرفت و نهایتاً توانستیم اعتصاب را با موفقیت به اتمام برسانیم.

◆ بودجه‌ی اتحادیه از کجا می‌آید؟

مهدی کوهستانی: بودجه‌ی اتحادیه از طریق حق عضویت اعضا تأمین می‌شود که البته از مالیات سالانه کسر می‌شود. طبق قانون کار، حق عضویت حداقل ۳ ساعت از کار ماهیانه می‌باشد. برخی اتحادیه‌ها با توافق اعضا این عضویت را بیش تر می‌کنند تا بتوانند به کارهای تبلیغی، ترویجی، آموزشی و غیره بپردازند. ما هر ماه سمینارهای آموزشی داریم که از همین حق عضویت‌ها تأمین می‌شوند.

◆ وظایف اتحادیه در قبال اعضا چیست؟ به عبارت دیگر یک اتحادیه به کارگران چه چیزی اعطا می‌کند؟

مهدی کوهستانی: اتحادیه، شرکت بیمه نیست. اتحادیه، سنت خودش را دارد و اساساً تا زمانی پابرجاست که اعضایش از آن دفاع می‌کنند. اتحادیه روی سه اصل تکیه دارد: مزد بیش تر، مزایای بهتر و امنیت شغلی. این سه اصل به قول معروف نان و کره است برای هر عضو اتحادیه. نگاهی به مشاغل اتحادیه‌ای و غیراتحادیه‌ای این تفاوت را نشان می‌دهد. مشاغل غیر اتحادیه‌ای حدود ۴۰ درصد از مشاغل اتحادیه‌ای دست‌مزد کم‌تر دریافت می‌کنند. مزایای کم‌تری دارند و امنیت شغلی‌شان کلاً در دست

اتحادیه

روی سه اصل تکیه دارد: مزد بیش تر، مزایای بهتر و امنیت شغلی

کارفرماست. حق عضویت در اتحادیه، نتیجتاً یعنی تأمین سوخت و ساز و تضمین ادامه حرکت اتحادیه. اگر اتحادیه نتواند حداقل این سه اصل مهم را تأمین کند، معنی و نقش خود را از دست می‌دهد.

◆ آیا دولت به شما کمک می‌کند؟

مهدی کوهستانی: دولت نه تنها کمک نمی‌کند، بلکه تا حد امکان قوانین ضد اتحادیه‌ای نظیر قانون استقاده از اعتصاب‌شکن تا لایحه‌ی چگونه می‌توان اتحادیه را منحل کرد، تصویب کرده است.

◆ آیا اتحادیه‌ی شما از فعالیت و مبارزات کارگران کشورهای در حال توسعه دفاع می‌کنند و یا به آن‌ها در امور مبارزه و سازماندهی تشکلهای کارگری کمک می‌کند؟

مهدی کوهستانی: هر اتحادیه‌ی مرکزی از بخش‌های گوناگون تشکیل شده است و هر بخش فعالیت‌های مربوط به خود را دارد. یکی از این بخش‌ها فعالیت‌های بین‌المللی است. در این بخش، به‌طور مثال ما از حقوق کارگران یا مبارزات مردم دیگر کشورها حمایت می‌کنیم، از مبارزات فلسطین تا دفاع از کارگران کلمبیا، و به دولت کانادا و دول دیگر فشار می‌آوریم. سال گذشته همراه با اتحادیه‌های دیگر سه نماینده به کلمبیا فرستادیم که تحقیقی راجع به این‌که چرا در کلمبیا هر روز یک فعال کارگری کشته یا ناپدید می‌شود، صورت دهند. هر جا که کارگران نیاز داشته باشند، از برمه تا کلمبیا حمایت می‌کنیم.

◆ با توجه به تجربیاتی که شما در فعالیت اتحادیه‌ای کسب کرده‌اید چه پیامی برای کارگران ایران که در شرایط بسیار دشواری قرار دارند، دارید؟ می‌دانید که هر روز کارگران بیش تری از کار بسی کار می‌شوند، سطح دست‌مزدها بسیار پایین است، دست‌مزدها هیچ‌گونه هماهنگی با رشد نرخ تورم ندارند و در سطح گسترده‌ای کارگران برای ماه‌هاست که دست‌مزدشان پرداخت نشده است. به صورت وسیع کارگران قربانی سوانح شغلی هستند و از همه مهم‌تر از تشکلهای مستقل خود محروم هستند، نظر شما در این باره چیست؟

مهدی کوهستانی: به‌جای پیام بهتر است بگویم چه نظر و وظایفی دارم. به‌عنوان یک فعال کارگری ایرانی

— کانادایی و یکی از هزاران آواره، وظیفه‌ی خود می‌دانم که مشکلات کارگران ایران را برای اتحادیه‌های کانادا مطرح کنم و از آن‌ها درخواست کنم که کارگران ایران را حمایت کنند و سازمان جهانی کار و دولت کانادا را ملزم کنیم تا با ما در این مورد همکاری نمایند.

کمک برای آموزش و انتقال تجارب اتحادیه‌های کانادا در زمینه‌های سازمان‌یابی و حقوق کارگری از جمله مواردی هستند که مقدور و قابل اجرا می‌باشند. امری که در این میان بسیار مهم است این است که آیا کارگران در ایران می‌توانند یک نهاد و تشکلهای دموکراتیک مستقل صنفی ایجاد کنند یا نه؟ من فکر می‌کنم با چند مشکل اساسی خارج از اراده‌ی خود کارگران روبه‌رو هستیم. از همه مهم‌تر خود دولت و قوانین هستند که عملاً مانع از ایجاد تشکلهای دموکراتیک مستقل کارگری است. علاوه بر این، عدم همکاری کسانی است که با هر نوع کار سندیکایی مخالف هستند و فکر می‌کنند که کار صنفی و یا اتحادیه‌ای مزاحم فعالیت آن‌ها خواهد شد. هر نوع نهاد متشکل کارگری را به‌زیر سوال می‌برند و فقط دنبال راه‌حل‌های آرمانی هستند و فکر می‌کنند تنها رسیدن به آن آرمان است که به کارگران کمک خواهد کرد، باید دید که چگونه کارگری که در نهاد خود آموزش ندیده و برای ابتدایی‌ترین حقوقش اجازه متشکل شدن نداشته، در نهادهایی که از بالا شکل گرفته‌اند متشکل خواهد شد. مانع دیگر کسانی هستند که نیاز جامعه را در تحول صنعتی می‌بینند و داشتن کار را رساله‌ی اساسی می‌دانند و هرگونه گام و یا اعتراضی را کمک به یک جناح دولت می‌دانند برای سرکوب بخش دیگر.

به‌نظر من چه در جامعه‌ی سرمایه‌داری تجاری باشیم، چه در جامعه‌ی صنعتی و در زیر یوغ امپراتوری بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی باشیم، باید برای کم شدن ساعات کار، تضمین کار، بیمه، یزنشستگی، مزایا، عدم تبعیض (علیه زنان، معلولان، کودکان، سال‌نندان، ملیت‌ها، سکولارها، معتقدان به مذاهب مختلف، هویت و یا ترجیح جنسی و غیره)، افزایش حقوق، دریافت حقوق متناسب با تورم، حق تشکلهای، حق انتخاب نوع نهاد، حق مذاکره‌ی جمعی، حق اعتصاب و غیره مبارزه کرد. این خواست‌های ابتدایی بیش از صد سال است در دیگر کشورها کسب شده و در کشورهای مشابه ما به رسمیت شناخته شده است و داشتن آن‌ها از پایه‌ای‌ترین شروط پیشرفت موقعیت کارگر است. من هم به سهم خودم تلاش خواهم کرد در این مبارزه شریک و دخیل باشم.

◆ با سپاس از قبول دعوت.

پی‌نوشت

- مهدی کوهستانی، رئیس شورای کارگران تورنتو و رئیس اتحادیه‌ی خدمات اجتماعی شعبه‌ی ۳۲۶۱ دانشگاه تورنتوی کانادا است.
- با سپاس از همراهی‌های بزرگوارته‌ی محمد صفوی.